

۱۵۵	سمبولیسم فرخزاد
۱۵۵	به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد - فروغ فرخزاد
۱۵۶	پرنده مردنی است - فروغ فرخزاد
۱۵۷	هدیه - فروغ فرخزاد
۱۵۷	اعتراض، صمیمیت و عاطفه
۱۵۹	فریدون مشیری
۱۶۰	سهل‌گیر و رمانتیک
۱۶۰	زبان ساده و فاخر
۱۶۱	صمیمیت و زیبایی دوستی
۱۶۱	آخرین جرعه‌ی این جام - فریدون مشیری
۱۶۲	ماه و سنگ - فریدون مشیری
۱۶۳	جزر و مد - فریدون مشیری
۱۶۳	پیوند شاعرانه
۱۶۵	محمد رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)
۱۶۵	شعر نو سالم
۱۶۶	سمبولیسم متعهدانه
۱۶۶	لطافت و فخامت زبانی
۱۶۷	در این شبها - محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۶۸	پاسخ - محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۶۹	پژواک - محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۶۹	حاکمیت مطلق شب
۱۷۳	شعر نو، دهه‌ی پنجاه تا انقلاب اسلامی
۱۷۵	منتقدان / شاعران و اشعار نوپردازان
۱۷۵	منتقدان
۱۷۶	سنگ صحرائشین - محمد زهری
۱۷۷	آبی - مفتون امینی
۱۷۸	صدای تو... م. آزاد
۱۷۹	وسوسه‌ی سؤال - رضا براهنی

۱۸۰	آبی، خاکستر، سیاه - حمید مصدق
۱۸۱	سرود زمهریر - منوچهر آتشی
۱۸۲	سوگلی - محمد علی سپانلو
۱۸۲	خار - عمران صلاحی
۱۸۳	دریغا آفتاب - علی موسوی گرمارودی
۱۸۳	با پرنده‌ها - کاظم السادات اشکوری
۱۸۴	به چهار چهره‌ی کهربائی - علی باباچاهی
۱۸۵	در سفره - طاهره صفارزاده
۱۸۷	پس از انقلاب اسلامی
۱۸۹	شعر پست مدرن
۱۹۰	شعر پسانیمایی / گفتار و فراگفتن
۱۹۱	سلام - سید علی صالحی
۱۹۳	اشتباه از ما بود - سید علی صالحی
۱۹۳	ظرفیت شاعرانه، زبان محاوره
۱۹۵	شعر حرکت
۱۹۶	نامت را - محمود معتقدی
۱۹۷	به‌پا نرسیده... - شهرام پارسامطلق
۱۹۷	در ایستگاه - حسین فرخی
۱۹۸	شعر فکر / شعر ذکر
۱۹۹	شعر مدرن
۲۰۰	فردگرایی در مدرنیسم
۲۰۱	قاعده‌گریزی در مدرنیسم
۲۰۱	مختصات شعر مدرن
۲۰۵	شاعران نوپرداز پس از انقلاب
۲۰۵	کنار شب - آبکاری، ندا
۲۰۵	امروز هم - احمدی، مسعود

- ۲۷۲ پونه‌ها و پروانه‌ها - افسانه شعبان‌نژاد
- ۲۷۳ بال‌ها پروازها - ناصر کشاورز
- ۲۷۴ حوض قالی - اسداله شعبانی
- ۲۷۴ مثل یک رنگین کمان - جعفر ابراهیمی (شاهد)

۲۷۷ کتابنامه

یادداشت مجموعه

همیشه خود را با این پرسش، مواجه دیده و می‌بینم که چرا پس از گذشت چندین دهه از پیدایش شعر نو، نه تنها القای آن بر بسیاری ناشناخته مانده، بلکه موجودیت آن از سوی برخی انکار می‌شود؟ در محیط‌های دانشگاهی خصوصاً در میان اهل ادبیات فارسی هنوز کسانی هستند که اطلاعاتی از شعر زمانه‌ی خود ندارند و حتی از آن نمی‌پوشند. آیا ریشه‌ی این امر، نقص شعر امروز بوده و علت آن، شاعران نوپردازی هستند که نتوانسته‌اند آثاری در عبور بیافرینند و رغبتی در مخاطبان خویش پدید آورند؟ یا علت امر را در جایی دیگر باید جست. تردیدی نیست که شاعران نوپرداز به حد کافی آثار درخشان داشته و در بیرون از فضای دانشگاه‌ها توانسته‌اند مخاطبان و هم‌سخنرانان خود را بیابند. اما در محیط‌های دانشگاهی چرا این کار میسر نگردیده؟ پرسشی تأمل برانگیز بوده که پاسخ دادن به آن هم ساده است؛ هم دشوار!

سال‌هاست در دوره‌ی کارشناسی، رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تدریس درسی ادبیات معاصر ۱ و ۲ مشغول هستیم. در این مدت، تجربیات مختلفی را از سر گذرانده و با موانع زیادی مواجه بوده‌ام. در تدریس شعر معاصر، مهم‌ترین مانع، الفت دانشجویان با فحش‌بستی شعر و بیگانگی آنها با موازین تازه‌ی شاعری بوده که سبب می‌شد آنها با همان معیارهای سنتی در صدد خواندن و ارزیابی شعر امروز بآیند. این معطل، شناساندن مبانی ساختاری شعر امروز و ذکر تفاوت‌های آن را با شعر گذشته‌ی فارسی ضروری می‌نماید که این کار، مجال زیادی می‌طلبد و فرصت کوتاه کلاس درس، امکان آن را فراهم نمی‌نمورد. مجموعه‌ای که فراهم آمده نتیجه‌ی کار و تجربه‌ی این سال‌هاست که در آن روند شعر

یادداشت مجموعه

همیشه خود را با این پرسش، مواجه دیده و می بینم که چرا پس از گذشت چندین دهه از پیدایش شعر نو، نه تنها الفبای آن بر بسیاری ناشناخته مانده، بلکه موجودیت آن از سوی برخی انکار می شود؟ در محیط های دانشگاهی خصوصاً در میان اهل ادبیات فارسی هنوز کسانی هستند که اطلاعی از شعر زمانه ی خود ندارند و حظی از آن نمی برند. آیا ریشه ی این امر، نقص شعر امروز بوده و علت آن، شاعران نوپردازی هستند که نتوانسته اند آثاری در خور بیافرینند و رغبتی در مخاطبان خویش پدید آورند؟ یا علت امر را در جایی دیگر باید جست. تردیدی نیست که شاعران نوپرداز به حد کافی آثار درخشان داشته و در بیرون از فضای دانشگاه ها توانسته اند مخاطبان و هواخواهان خود را بیابند. اما در محیط های دانشگاهی چرا این کار میسر نگردیده؟ پرسشی تأمل برانگیز بوده که پاسخ دادن به آن هم ساده است؛ هم دشوار!

سال هاست در دوره ی کارشناسی، رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تدریس درس ادبیات معاصر ۱ و ۲ مشغول هستیم. در این مدت، تجربیات مختلفی را از سر گذرانده و با موانع زیادی مواجه بوده ام. در تدریس شعر معاصر، مهم ترین مانع، الفبای دانشجویان با ذهنیت سنتی شعر و بیگانگی آنها با موازین تازه ی شاعری بوده که سبب می شد آنها با همان معیارهای سنتی در صدد خواندن و ارزیابی شعر امروز برآیند. این معضل، شناساندن مبانی ساختاری شعر امروز و ذکر تفاوت های آن را با شعر گذشته ی فارسی ضروری می ساخت که این کار، مجال زیادی می طلبید و فرصت کوتاه کلاس درس، امکان آن را فراهم نمی نمود.

مجموعه ای که فراهم آمده نتیجه ی کار و تجربه ی این سال هاست که در آن روند شعر